****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**هیچکس بهتر از فروید، ترامپ را نمی‌شناسد**



ترامپ مسلماً عجیب‌ترین رییس‌جمهوری آمریکا در تمام طول تاریخ است. هر چند ویژگی‌های رفتاری او به نحوی است که همه و حتی نویسندگان بزرگ دنیا را هم به حرف آورده و شاید به زعم خیلی‌ها سوژه رمان‌نویسی بسیاری از نویسندگان شده باشد.

به گزارش ایسنا، روزنامه **اعتماد** نوشت: یک توییت دیگر و یک موج دیگر؛ پُر واضح است که این اصلاً طبیعی نیست. وقتی عنوان رئیس‌جمهور را هم به آن اضافه کنیم، حجم غیرطبیعی بودن ماجرا بیشتر هم می‌شود. اما آیا توییت‌های دونالد ترامپ می‌تواند دریچه‌ای برای بازگویی وضعیت روحی او یا حتی دقیق‌تر از آن، وضعیت روانی‌اش باشد؟

احتمالاً از نظر شما فروید آخرین کسی است که شاید بتواند درباره رفتار توییتری ترامپ تحلیل روانشناسانه‌ای روی میز بگذارد اما بیایید یک شانس دیگر به او بدهیم. فروید در کتاب «روانشناسی رفتارهای روزمره» به خوانندگان ثابت می‌کند که چقدر رفتارهای روزمره افراد با ویژگی‌های شخصیتی‌شان مرتبط است؛ جوک‌ها، تکیه‌کلام‌ها، فراموش‌کاری‌ها، رویاها و حتی ادبیات صحبت کردن هر فردی با دیگران سرنخ‌هایی از آن چیزی است که در عمق ذهن ناخودآگاه او اتفاق می‌افتد. پس اگر این نظریه فروید را بر اساس شرایط و موقعیت امروز جامعه به روز کنیم، می‌بینیم که رفتارهای هر فردی در رسانه‌های اجتماعی هم نشان‌دهنده بخشی از شخصیت او است. روانکاوها معمولاً از تکنیکی به نام «تداعی آزاد» استفاده می‌کنند که در آن از بیمار می‌خواهند هر چه به ذهنش می‌رسد، بدون هیچ محدودیت یا سانسوری به زبان بیاورد. این تکنیک باعث می‌شود مقاومت‌های دفاعی کاهش پیدا کند و افکار و احساسات ناخودآگاه از پستوی ذهن بیرون بیاید. آیا توییت کردن را هم می‌توان به نوعی همان «تداعی آزاد» نامید؟ شاید برای بعضی‌ها بتوان این نسخه را پیچید اما وقتی نوبت به چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا می‌رسد، این استراتژی هیچ محلی از اعراب ندارد.

**مادری که نبود**

جاستین فرانک، استاد روانپزشکی بالینی دانشگاه جورج واشنگتن در گفت‌وگو با گاردین می‌گوید: «بزرگ شدن زیر سقف خانه‌ای که مادری در آن حضور نداشت و به جای آن پدری مستبد سکان‌دار زندگی بود، دونالد ترامپ را همین آدمی کرده که امروز می‌بینیم؛ فردی با روحیات به‌شدت کودکانه، پُرسروصدا و البته بسیار نامناسب برای یک پست دولتی یا حتی دفتری.»

اما آیا باید از این رفتار ترامپ در رسانه‌های اجتماعی ترسید؟ فرانک معتقد است که «بله! باید ترسید. ما باید بپذیریم که او رئیس‌جمهور است و همچنین باید قبول کنیم که به هیچ‌وجه تغییر نمی‌کند؛ منصفانه بخواهیم نگاه کنیم، نه اینکه نخواهد، اصلاً نمی‌تواند تغییر کند. وقتی این دو مورد را در مورد ترامپ بپذیریم، می‌توانیم ترس‌مان را بپذیریم و بفهمیم چطور باید با آن کنار بیاییم.»

به اعتقاد فرانک، رابطه مادر و فرزندی تأثیر بسیار زیادی بر چشم‌انداز روانشناختی و سلامت روانی افراد دارد. مادر ترامپ، زنی به نام مری ان مک لئود بوده که سال ۱۹۳۰ از مجمع‌الجزایر هبریدها در ساحل غربی اسکاتلند وارد نیویورک شده است. بعد از شش سال زندگی در نقش کارگر خانه و پرستار بچه با فِرِد ترامپ ازدواج کرده و صاحب پنج فرزند شده است. دونالد چهارمین فرزند مری ان بود که چهاردهم ژوئن سال ۱۹۴۶ در نیویورک به دنیا آمد.

رئیس‌جمهور گزاف‌گو که درباره همه چیز حرف می‌زند، تا به امروز حرف زیادی درباره مادرش نزده است. به طور مشخص در چند ماه اول ریاست‌جمهوری‌اش تنها عکس پدرش روی میز دیده می‌شد. بعدها عکس مادرش هم اضافه شد و در نهایت هم ترامپ به این واقعیت اشاره کرد که رنگ موهای طلایی‌اش را از مادرش به ارث برده و شاید این تنها یادگاری مادرش بود که با افتخار درباره آن حرف می‌زد. فرانک می‌گوید: «واقعیت این است که تلاش ترامپ برای ایجاد احساس اضطراب در ما ناشی از این است که او هیچ‌گاه حمایت مادرش را نداشته و درست مثل یک کودک میل به جلب‌توجه دیگران دارد.»

فرانک حرف‌هایش را در یک جمله این‌طور خلاصه می‌کند: «او هیچ‌گاه نیروی قدرتمند مادر را در زندگی‌اش احساس نکرده است.»

زمانی که ترامپ تنها دو سال سن داشته، آخرین فرزند خانواده هم به دنیا می‌آید. چند روز بعد از به دنیا آمدن فرزند آخر، مادرش راهی بیمارستان می‌شود. چهار عمل جراحی و خونریزی شدید، مادر ترامپ را هر روز یک قدم به مرگ نزدیک‌تر می‌کند. هیچ‌کسی در خانه درباره این موضوع حرفی نمی‌زد. خواهر و برادر بزرگ‌تر ترامپ ظاهرشان را جلوی کوچک‌ترها حفظ می‌کردند، انگار که اتفاقی نیفتاده. این اما ظاهر ماجرا بود، آنها در عمق وجودشان نگران مادری بودند که تا مرگ فاصله زیادی نداشت. فرانک می‌گوید: «غیبت بسیار زیاد مادر در خانه، حس همدلی را در ترامپ برای همیشه می‌کشد.»

فرانک می‌گوید: «وقتی فردی احساس کند مدام از طرف دیگران نادیده گرفته می‌شود یا به حال خودش رها شده و برای دیگران اهمیتی ندارد، سعی می‌کند این کمبود را با رفتارهای اغراق‌آمیز تقویت کند. شما نسبت به نقاط ضعف خود احساس بدی دارید، بنابراین در مقابل دیگران قُلدری می‌کنید تا این بخش وجودتان را پنهان و آن را با رفتارهای به ظاهر قدرتمندی جایگزین کنید. همچنین تلاش می‌کنید با رفتارتان به دیگران نشان دهید که قوی هستید و نیازی به کسی ندارید؛ آن قدر قوی که هر کاری بخواهید می‌توانید انجام دهید و هر تصمیمی که بخواهید می‌توانید عملی کنید.»

**سوژه رمان یا یک بیمار قابل مطالعه؟**

تکه‌های پازل را که کنار هم بگذاریم، قابی که نمایانگر حالت‌های روانی ترامپ است به چشم می‌آید. شاید حالا سیاست مهاجرتی دردناک ترامپ که باعث جدایی هزاران کودک از والدین‌شان شده بود معنای دیگری پیدا کند. یا آنجا که تصویر گریه‌های «یانلا سانچز»، دختر ۲ ساله هندوراسی در گوش رسانه‌های دنیا پیچید و ذره‌ای دل ترامپ را به درد نیاورد و تکانش نداد. حتی جایی که توییت ترامپ مبنی بر صدور دستور حمله به پایگاه ارتش سوریه باعث کشته شدن دست کم پنج کودک سوری شد.

رفتار ترامپ در توئیتر اما مرزهای بروز ویژگی‌های روحی و روانی‌اش را رد کرده و به واکنش‌های قانونی هم رسیده است. آن طور که رویترز می‌نویسد، ترامپ مدت‌هاست که دسترسی کاربران منتقد را به صفحه توییترش مسدود کرده و این کار او نقض قانون آزادی بیان در آمریکاست که در متمم اول قانون اساسی این کشور عنوان شده است.

اریک گلدمن، محقق قوانین اینترنت از دانشگاه حقوق سانتاکلارای آمریکا در پاسخ به این که آیا امکان پیگیری حقوقی این موضوع وجود دارد یا خیر، به رویترز گفته: «اگر قرار باشد به خاطر این موضوع علیه ترامپ شکایت حقوقی تنظیم شود، احتمالاً واکنش آقای رئیس‌جمهور این است که اعلام کند این حساب شخصی اوست و به این ترتیب شکایت را خنثی کند.»

ترامپ مسلماً عجیب‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا در تمام طول تاریخ است. هر چند ویژگی‌های رفتاری او به نحوی است که همه و حتی نویسندگان بزرگ دنیا را هم به حرف آورده و شاید به زعم خیلی‌ها سوژه رمان‌نویسی بسیاری از نویسندگان شده باشد یا در آینده بشود ولی بدون شک او هیچ‌گاه یک شخصیت بزرگ ادبی از خودش به جای نمی‌گذارد که داستان جذابی درباره‌اش نوشته شود. فرانک می‌گوید: «او کاملاً دو بعدی است. از نظر من او یک بیمار قابل مطالعه یا حتی سوژه خوبی برای رمان هم نیست. او عمقی ندارد که کسی تصمیم بگیرد درونش را بکاود و به نتیجه خارق‌العاده‌ای دست پیدا کند. اگر او امروز رئیس‌جمهور آمریکا نبود، هرگز لحظه‌ای به او فکر نمی‌کردم.»